

## پیش‌بینی فرار دختران با استفاده از مدل پنج عامل بزرگ شخصیت

بهنام جمشیدی<sup>۱</sup>، فریده سادات حسینی<sup>۲</sup>، نرگس عرب‌مقدم<sup>۳</sup>

### Predicting Girls' Runaway from Home Using the Big Five Factor Model of Personality

Behnam Jamshidi\*, Farideh Sadat Hosieni<sup>a</sup>, Narges Arab-Moghaddam<sup>b</sup>

#### Abstract

**Objectives:** The aim of this study was to predict girls' runaway from home using the five factor model of personality. **Method:** In a retrospective study, 37 runaway girls who were incarcerated and kept by relevant organizations, were selected using convenience sampling. Considering the mean age of the runaway girls, 37 single females residing in middle to low socioeconomic neighborhood in Shiraz, were selected as the control group. The Big Five Personality Inventory along with a number of questions for acquiring demographic information were administered to the participants. **Results:** Hierarchical logistic regression indicated that only neuroticism could significantly predict the runaway of girls; and the level of neuroticism had a positive correlation with runaway. In addition the interaction between fathers' jobs and conscientiousness in girls was significant ( $p < 0.05$ ); in other words, an increase in conscientiousness along with the high job status of father reduced the risk of runaway. However, the relationship of conscientiousness with a reduction in runaway was insignificant in lower job status. **Conclusion:** Big Five personality traits are not powerful predictors of girls' running away. It seems that using more specific personality scales and attention to interaction between personality and environmental factors could improve the power of predicting girls' runaway based on their personality characteristics. Moreover, personal factors appear to be more powerful predictors of girls' runaway from their homes in higher socio-economic classes.

**Key words:** runaway girls; personality; prediction

[Received: 2 May 2009; Accepted: 28 September 2009]

#### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف پیش‌بینی فرار دختران با استفاده از پنج عامل بزرگ شخصیت انجام شد. **روش:** در این پژوهش پس‌رویدادی، ۳۷ نفر از دختران فراری که در مدت اجرای پژوهش توسط سازمان‌های مرتبط دستگیر و یا نگهداری می‌شدند، از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به میانگین سنی دختران فراری، تعداد ۳۷ نفر از دختران مجرد ساکن یکی از محلات شهر شیراز که از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی جزء مناطق متوسط رو به پایین محسوب می‌گردید، به‌عنوان گروه همنا انتخاب شدند. پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت به‌همراه برخی پرسش‌ها جهت سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی بر روی آزمودنی‌ها اجرا گردید. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک سلسله‌مراتبی حاکی از آن بود که از بین ویژگی‌های شخصیتی تنها بعد روان‌نژندی قادر به پیش‌بینی فرار دختران بود. با افزایش میزان روان‌نژندی، احتمال فرار دختران افزایش می‌یافت. افزون بر این، تعامل منزلت شغلی پدر و وظیفه‌مداری دختران معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ )؛ به عبارت دیگر با افزایش وظیفه‌مداری، در سطوح بالای منزلت شغلی پدر، احتمال فرار دختران کاهش می‌یافت؛ در حالی که رابطه بعد وظیفه‌مداری با کاهش فرار دختران در سطوح پایین منزلت شغلی ناچیز بود. **نتیجه‌گیری:** پنج عامل بزرگ شخصیت پیش‌بینی‌کننده قدرتمندی برای فرار دختران نیست. به نظر می‌رسد استفاده از پرسش‌نامه‌های شخصیتی اختصاصی‌تر و توجه به تعامل ویژگی‌های شخصیتی و عوامل محیطی، امکان پیش‌بینی فرار دختران را بر اساس ویژگی‌های شخصیتی افزایش دهد. هم‌چنین به نظر می‌رسد عوامل فردی، در طبقات اجتماعی-اقتصادی بالا در مقایسه با طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین بر فرار دختران مؤثرتر است.

**کلیدواژه‌ها:** دختران فراری؛ شخصیت؛ پیش‌بینی

[دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۲/۱۲؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۷/۶]

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، مربی جهاد دانشگاهی فارس، شیراز، خیابان زند، روبه‌روی سرپرستی شعب بانک سپه، کوچه ۴۳، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس، گروه علوم رفتاری. دورنگار: ۲۳۰۳۶۶۲-۰۷۱۱ (نویسنده مسئول). E-mail: soloklo@gmail.com <sup>۲</sup> دانشجوی دوره دکترای روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز، جهاد دانشگاهی فارس؛ <sup>۳</sup> کارشناس ارشد روانشناسی شناختی، مربی جهاد دانشگاهی فارس.

\* Corresponding author: MS. in Educational Psychology, Lecturer of Fars Jahad Daneshgahi, The Department of Behavior Sciences, Vice counselor for Research Fars Jahad Daneshgahi, 43 Alley, Zand St., Shiraz, Iran, IR. Fax: +98711-2303662. E-mail: soloklo@gmail.com; <sup>a</sup> Postgraduate Student in Educational Psychology, Fars Jahad Daneshgahi; <sup>b</sup> MS. in Cognitive Psychology, Lecturer of Fars Jahad Daneshgahi.

## مقدمه

فرار از منزل عبارت است از غیبت از خانه به مدت حداقل یک شب و بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی فرد (دی‌من<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). شارلین<sup>۲</sup> و مور-باراک<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) نیز فرار را به معنی دور شدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر می‌دانند که بدون اطلاع والدین یا بر خلاف میل آنها صورت گیرد. پژوهش‌های متعددی در ارتباط با فرار از خانه صورت گرفته است. با این حال بیشتر آنها بر عوامل خانوادگی، اجتماعی و زمینه‌ای متمرکز شده‌اند و نقش خود فرد و به‌طور خاص ویژگی‌های شخصیتی وی در تبیین رفتار فرار از خانه، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (برای نمونه: صمدی‌راد، ۱۳۸۰، به نقل از جلالی، ۱۳۸۴؛ اقلیما، ۱۳۸۰؛ روشنایی، ۱۳۸۱، به نقل از جلالی، ۱۳۸۴؛ رستم‌خانی، ۱۳۸۱؛ حقیقت‌دوست، ۱۳۸۳؛ جلالی، ۱۳۸۴؛ محمدخانی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها نیز جهت گیری مشابهی داشته‌اند. اما همان‌گونه که بلود<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) اذعان می‌کند، لازم است در مورد خود افراد فراری اطلاعات بیشتری کسب شود. از این رو در این پژوهش نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در پیش‌بینی فرار دختران مورد بررسی قرار گرفت.

در تاریخ علم روانشناسی، بررسی و مطالعه شخصیت با استفاده از رویکردهای متفاوتی انجام شده است. یکی از این رویکردها استفاده از روش تحلیل عاملی بر روی صفات موجود در زبان است (کاستا<sup>۵</sup> و مک‌کری<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲). مطابق با فرضیه واژگانی<sup>۷</sup> گالتون<sup>۸</sup> (۱۸۸۴)، به نقل از باس<sup>۹</sup> (۱۹۹۱) در واژگان زبان، کلمات بسیط و روشنی جهت توصیف تفاوت‌های مهم فردی توسعه یافته‌اند. زیرا توانایی بیان صریح و ساده تفاوت‌های فردی در طی تاریخ تکامل برای بقای بشر سودمند بوده است (همان‌جا). از این رو با انجام تحلیل عاملی بر روی این کلمات می‌توان صفات بنیادین و ساختارهای اساسی شخصیت را شناسایی کرد. این رویکرد توسعه‌ای، سیستم‌های متعدد توصیف شخصیت را در پی داشته است که مهم‌ترین آنها رویکردهای شانزده عاملی کتل<sup>۱۰</sup>، سه عاملی آیزنک<sup>۱۱</sup> و پنج عامل بزرگ شخصیت هستند (پوروپات<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲).

مطابق با الگوی پنج عاملی که در پژوهش حاضر استفاده شده است، شخصیت دارای پنج بعد اساسی است که در طی زمان دارای ثبات می‌باشند و شامل برون‌گرایی، توافق‌پذیری،

روان‌نژندی، وظیفه‌مداری و گشودگی نسبت به تجربه‌هاست (دیگمن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۰). برون‌گرایی مبین تمایل فرد به سمت عواطف مثبت و معاشرت با دیگران است. توافق‌پذیری با قابل اعتماد بودن، صداقت و همدلی مرتبط است. در مقابل، عدم توافق‌پذیری با خودمحوری، تمایل به کنترل و مدیریت دیگران و بی‌اعتنایی نسبت به علایق و نیازهای آنان همراه است. وظیفه‌مداری با کنترل تکانه‌ها، توانایی برنامه‌ریزی، سازماندهی و تکمیل فعالیت‌ها و وظایف مرتبط است. روان‌نژندی به میزان سازگاری و ثبات هیجانی اشاره دارد. گشودگی نسبت به تجربه نیز با تمایل به تجربه عواطف و فعالیت‌های جدید مرتبط است. هر یک از این پنج حوزه کلی می‌تواند به جنبه‌ها یا اجزاء ریزتری تفکیک شود (میلر<sup>۱۴</sup> و لینام<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۱) که در اینجا جهت رعایت ایجاز از شرح آن خودداری می‌گردد.

در ارتباط با ویژگی‌های فردی، شواهد حاکی از وجود آسیب‌ها و آسیب‌پذیری‌های روانی متعدد در افراد فراری است. برای نمونه شخصیت ستیزه‌جو، خودپنداره ضعیف و نیاز شدید به دوست‌داشته‌شدن در بررسی رایمر<sup>۱۶</sup> (۱۹۴۰)، شخصیت ضداجتماعی و روابط بین‌فردی ضعیف در بررسی رابینز<sup>۱۷</sup> (۱۹۵۸)، خود-ناتوان‌انگاری و فقدان کنترل بر خود در بررسی لونتال<sup>۱۸</sup> (۱۹۶۳)، وابسته و تکانشی بودن، تحمل کم در برابر ناکامی و گوشه‌گیری در بررسی گلدبرگ<sup>۱۹</sup> (۱۹۷۲)، عزت‌نفس پایین، تنهایی و مردد بودن در بررسی بیر<sup>۲۰</sup> (۱۹۷۴) و هیجان‌خواهی در بررسی کوستا و مک‌کری (۱۹۹۲)، به‌عنوان ویژگی‌های روانی غالب در افراد فراری مطرح شده‌اند.

هرچند در رابطه با نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در تبیین رفتار فرار از خانه شواهدی مشاهده نگردید، در بررسی رابطه شخصیت و رفتارهای جامعه‌ستیز، هیون<sup>۲۱</sup> و ورجین<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۱) دریافتند که روان‌پریشی مهم‌ترین پیش‌بین می‌باشد.

- |                       |              |
|-----------------------|--------------|
| 1- De Man             | 2- Sharlin   |
| 3- Mor-Barak          | 4- Blood     |
| 5- Costa              | 6- McCree    |
| 7- lexical hypothesis | 8- Galton    |
| 9- Buss               | 10- Cattell  |
| 11- Eysenck           | 12- Poropat  |
| 13- Digman            | 14- Miller   |
| 15- Lynam             | 16- Reimer   |
| 17- Robbins           | 18- Levental |
| 19- Goldberg          | 20- Beyer    |
| 21- Heaven            | 22- Virjen   |

می‌شوند و خود را بی‌دلیل مسئول اقدامات و اعمال منفی دیگران می‌دانند. نیاز به تأیید، وابستگی به دیگران و سلطه‌پذیری از دیگر ویژگی‌های این افراد است. پژوهش‌های بازاری می‌مندی (۱۳۸۱) نیز حاکی از آن بود که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بیشتر از سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. هم‌چنین معلوم شد که بین دختران عادی و فراری از نظر درون‌گرایی - برون‌گرایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با این حال در پژوهش ذکر شده سایر ابعاد شخصیت به‌ویژه ابعادی که در پژوهش حاضر مورد نظر هستند مورد بررسی قرار نگرفت.

در مجموع به‌نظر می‌رسد در رابطه با نقش ویژگی‌های شخصیتی در فرار دختران، تحقیقات زیادی انجام نشده است. تحقیقات انجام‌شده در سایر کشورها اغلب به نقش ویژگی‌های شخصیتی در سوءرفتارهایی نظیر بزهکاری متمرکز بوده‌اند و آزمودنی‌های دختر در اغلب این تحقیقات مورد نظر قرار نگرفته‌اند. تحقیقات داخلی انجام‌شده نیز ناکافی به نظر می‌رسند. بنابراین ضرورت بررسی صفات کلی شخصیت در رابطه با فرار دختران احساس می‌شود. بنابراین دلایل فوق پژوهش حاضر با هدف بررسی این فرضیه صورت گرفت که فرار دختران از روی پنج عامل بزرگ شخصیت قابل پیش‌بینی است.

## روش

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی بود و جامعه آماری آن کلیه دخترانی بودند که نسبت به فرار از خانه اقدام کرده بودند. نمونه آماری شامل ۳۷ نفر از دختران فراری شهر شیراز بود که با مراجعه به مرکز اورژانس اجتماعی، سازمان بهزیستی فارس، پزشکی قانونی استان فارس و بخش مفاسد اجتماعی نیروی انتظامی استان فارس، جهت تکمیل پرسش‌نامه‌ها، دعوت به همکاری شدند. با توجه به تعداد کم دختران فراری، کلیه مواردی که امکان دسترسی به آنها وجود داشت و حاضر به همکاری می‌شدند، مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس<sup>۵</sup> انجام شد. به‌منظور انتخاب گروه همتا، ابتدا میانگین سنی و میانه منزلت شغلی پدران دختران فراری محاسبه گردید و سپس با توجه به میانگین سنی

مارکی<sup>۱</sup>، مارکی و تینسل<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نیز دریافتند وظیفه‌مداری و توافق‌پذیری پایین در دختران نوجوان با افزایش مشارکت در رفتارهای پرخطر همراه است. افزون بر این گشودگی نسبت به تجربه در تعامل با بلوغ زودرس منجر به افزایش مشارکت در رفتارهای پرخطر می‌شود. هم‌چنین مارکی، مارکی، اریکسن<sup>۳</sup> و تینسل (۲۰۰۶) دریافتند که برخلاف پسران، برون‌گرایی در دختران پیش‌بینی‌کننده منفی مشارکت در رفتارهای پرخطر بود. آنها استنباط کردند که دختران مشارکت‌کننده در رفتارهای پرخطر، افرادی کم‌رو، خجالتی و منفعل هستند و مشارکت آنها در رفتارهای پرخطر با انگیزه جلب تأیید همسالان و یا مقابله با خلق منفی صورت می‌گیرد.

در ایران نیز شاره، اصغرنژاد فرید، یکه یزدان دوست و طباطبایی (۱۳۸۵) به بررسی ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین هوش هیجانی کلی و برخی از مؤلفه‌های آن شامل احترام به خود، شادکامی، واقعیت‌سنجی، خودآگاهی هیجانی، تحمل استرس، انعطاف‌پذیری، مهارت کنترل تکانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حل مسئله با ریسک فرار دختران از منزل همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد. شاره و آقامحمدیان (۱۳۸۶) به بررسی پایگاه‌های هویت ۲۰ نفر از دختران فراری شهر مشهد پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین دختران فراری و عادی در بعد هویت سردرگم<sup>۴</sup> تفاوت معنی‌داری وجود داشت و دختران فراری در این بعد نمره بالاتری کسب کردند. در سایر ابعاد هویت تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد.

رسول‌زاده طباطبایی، بشارت و بازیاری (۱۳۸۴) به بررسی نیم‌رخ شخصیتی دختران فراری با استفاده از آزمون شانزده‌عاملی کتل پرداخته و دریافتند که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در صفاتی چون ثبات هیجانی، استقلال، قدرت پیش‌بینی و پایبندی به اصول اخلاقی نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند. هم‌چنین افرادی سلطه‌پذیر، وابسته، علاقمند به مسافرت و کسب تجارب جدید و دارای شخصیت بی‌اعتماد و مضطرب بوده و از خودراهبری بالاتری برخوردار بودند.

طهرانی‌زاده، رسول‌زاده طباطبایی و آزاد فلاح (۱۳۸۴) دریافتند که دختران فراری بیش از دختران عادی ارزش خود را به میزان موفقیت خود مشروط می‌کنند، اسیر شخصی سازی

1- Markey

2- Tinsle

3- Ericksen

4- diffusion

5- convenience sampling

جدول ۱- ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) برای ابعاد حاصل از تحلیل عاملی پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت توسط خرمايي (۱۳۸۵)

عامل‌ها	تعداد	ضرایب
	گویه	آلفای کرونباخ
روان‌نژندی	۱۰	۰/۸۸
گشودگی نسبت به تجربه	۱۰	۰/۷۸
وظیفه‌مداری	۹	۰/۸۰
توافق‌پذیری	۹	۰/۸۰
برون‌گرایی	۸	۰/۷۷

ب- پرسش‌نامه منزلت شغلی<sup>۴</sup>: منزلت شغلی پدر آزمودنی‌ها با استفاده از مقیاسی که توسط مقدس (۱۳۷۴) جهت ارزیابی منزلت مشاغل شهر شیراز بر اساس پژوهش‌های بین‌المللی در این زمینه تهیه شده بود، بررسی و مورد سنجش قرار گرفت. جهت تهیه این مقیاس نظر ۸۶۲ نفر از جمعیت فعال (۱۶ تا ۶۴ سال) شهر شیراز در مورد منزلت ۹۷ شغل مورد بررسی قرار گرفته و شاخصی جهت مقایسه منزلت مشاغل به دست آمد. مقدار ضریب همبستگی بین این مقیاس با مقیاس‌های بین‌المللی منزلت شغلی ۰/۹۲ و همبستگی بین منزلت شغلی و سطح تحصیلات، ۰/۷۸ و همبستگی توأم سطح تحصیلات و درآمد با منزلت شغلی ۰/۸۵ به دست آمد. لازم به ذکر است که در این پژوهش بر اساس مقیاس منزلت شغلی به هر یک از مشاغل با توجه به منزلت آن شغل یا مشاغل مشابه، رتبه‌ای از یک تا شانزده تخصیص داده شد که در آن اعداد بزرگ‌تر معرف منزلت شغلی بیشتر بود. گفتنی است که این پرسش‌نامه با ابزارهای متداول کمی متفاوت است و در واقع جدولی است که مشاغل مختلف را رتبه‌بندی کرده است. از این رو روش‌های متداول سنجش پایایی و روایی در تهیه این ابزار به کار گرفته نشده است. با توجه به اینکه در حال حاضر برای سنجش منزلت شغلی ابزار دیگری وجود ندارد، استفاده از این پرسش‌نامه موجه به نظر می‌رسد.

در مورد دختران فراری جهت گردآوری داده‌ها، از پرسشگران مجرب و دارای اطلاعات کافی در زمینه امور مشاوره و روانشناسی استفاده شد. مشارکت در تحقیق

دختران فراری و منزلت شغلی پدران آنان، ۳۷ نفر از دختران مجرد ساکن محلات متوسط رو به پایین شهر شیراز (حوالی بلوار مدرس) که سن آنها در محدوده ۱۶ تا ۲۰ سال قرار داشت، انتخاب شدند. ذکر این نکته ضروری است که هم‌سازی به صورت گروهی انجام شد و متغیرهای سن و منزلت شغلی پدر به‌عنوان شاخصی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی محدود بود. کنترل دقیق‌تر متغیرهای زمینه‌ای با استفاده از روش‌های آماری مناسب صورت گرفت که در بخش نتایج شرح داده شده است. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از ابزارهای ذیل استفاده شد:

الف- نسخه کوتاه پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت<sup>۱</sup> (FFM): در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه ۵۰ گویه‌ای گلدبرگ (۱۹۹۹ به نقل از خرمايي، ۱۳۸۵) به دلیل اختصار و شاخص‌های روانسنجی مناسب آن استفاده گردید. در نسخه‌ی اصلی این پرسش‌نامه، برای ارزیابی هریک از عوامل شخصیت ۱۰ گویه وجود دارد که در مجموع پنج عامل روان‌نژندی (ثبات هیجانی)، برون‌گرایی، وظیفه‌مداری، گشودگی نسبت به تجربه و توافق‌پذیری را ارزیابی می‌نمایند. این پرسش‌نامه توسط خرمايي (۱۳۸۵) به فارسی ترجمه و اعتباریابی شده است. خرمايي برای تعیین روایی سازه‌ای این ابزار، از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس استفاده نموده است. در این تحلیل مقدار ضریب  $kmo^2$  (شاخص کفایت نمونه‌گیری) ۰/۸۵ و آزمون کرویت بارتلت<sup>۳</sup> برابر با  $10188/68$  گزارش شد که در سطح  $p < 0/0001$  معنی‌دار بود. بنابر گزارش خرمايي (همان‌جا) عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی شبیه به عوامل موجود در پرسش‌نامه اصلی بوده و شواهد قابل قبولی در مورد روایی سازه‌ای پرسش‌نامه به دست آمده است. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج این تحلیل مطابق با جدول ۱ حاکی از پایایی قابل قبول ابعاد پرسش‌نامه مذکور می‌باشد (خرمايي، ۱۳۸۵). با توجه به حجم کم نمونه و شرایط خاص آزمودنی‌ها که امکان استفاده از روش‌های پایایی و روایی (بازآزمایی، تحلیل عاملی و نظایر آن) را ناممکن می‌ساخت، در پژوهش حاضر به شواهد موجود در رابطه با روایی و پایایی ابزارهای مورد استفاده اکتفا گردید و اقدام دیگری در این مورد انجام نشد.

1- Five Factor Model  
2- Kaiser-Meyer-Olkin  
3- Bartlets test of sphericity  
4- Occupational Prestige Scale

سلسله‌مراتبی ابزار مناسبی برای کنترل متغیرهای نامرتب و نیز سنجش تعامل بین متغیرهای پیش‌بین است (کرامر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

### یافته‌ها

**جدول ۲** فراوانی و درصد سطوح مختلف تحصیلات دختران عادی و فراری و والدین آنها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از نتایج این جدول بر می‌آید، دختران فراری نسبت به دختران عادی از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار بودند که با توجه به تشابه سنی دو گروه، این امر را می‌توان به ترک تحصیل عده‌ای از دختران فراری در مقاطع مختلف تحصیلی نسبت داد. علاوه بر این، والدین دختران فراری نیز نسبت به والدین دختران عادی در مجموع تحصیلات پایین‌تری داشتند.

**جدول ۳** میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق را در دو گروه دختران عادی و فراری نشان می‌دهد. ذکر این نکته لازم است که در این جدول با توجه به رتبه‌ای بودن متغیر منزلت شغلی، برای این متغیر به جای میانگین و انحراف معیار، میانگین و میانه گزارش شده است. نتایج این جدول حاکی از آن است که میانگین و میانه منزلت شغلی در دختران عادی نسبت به دختران فراری به شکل محسوسی بالاتر است. همین امر به شکل ضعیف‌تری در مورد درآمد خانواده نیز صدق می‌کند. در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی اغلب نمرات به یکدیگر نزدیک بودند و بیشترین تفاوت‌ها به ترتیب در روان‌نژندی و وظیفه‌مداری مشاهده می‌شود. علاوه بر این دختران فراری در ابعاد روان‌نژندی و وظیفه‌مداری نمره بالاتر و در ابعاد برون‌گرایی، گشودگی نسبت به تجربه و توافق‌پذیری نمره پایین‌تری کسب کردند.

داوطلبانه، بدون ذکر نام و پس از برقراری ارتباط همدلانه پرسشگران با آزمودنی‌ها صورت گرفت. در ضمن جهت رعایت حریم خصوصی آزمودنی‌ها و ممانعت از سلب آرامش روانی آنها به پرسشگران توصیه شد غیر از سؤالات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متعارف و ویژگی‌های شخصیتی پنج عامل بزرگ شخصیت، هیچ‌گونه سؤال دیگری از آزمودنی‌ها پرسیده نشود.

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد محاسبه گردید. سپس با استفاده از روش‌های آماری تی مستقل و خی‌دو، تفاوت بین دختران عادی و فراری از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، درآمد ماهیانه خانواده، ترتیب تولد، تعداد خواهر و برادران، میزان تحصیلات خود فرد، میزان تحصیلات والدین، منزلت شغلی پدر و وضعیت شغلی مادر شامل شاغل و خانه‌دار) بررسی گردید تا در صورت وجود تفاوت معنی‌دار بین دختران فراری و عادی که از نظر سن و وضعیت اجتماعی-اقتصادی به طور تقریبی همتا شده بودند، از طریق روش آماری مناسب کنترل شوند. گفتنی است که نتایج مربوط به این بخش جهت رعایت اختصار در مقاله گزارش نشد. به منظور بررسی فرضیه پژوهش، از روش رگرسیون لجستیک سلسله‌مراتبی<sup>۱</sup> استفاده شد. بدین صورت که در مرحله اول، آن دسته از متغیرهای جمعیت‌شناختی که در آنها بین دو گروه دختران عادی و فراری تفاوت معنی‌داری وجود داشت - شامل تحصیلات، تحصیلات پدر و مادر و منزلت شغلی پدر جهت کنترل - وارد معادله گردیدند. در گام دوم، پنج عامل بزرگ شخصیت و در گام سوم، تعامل منزلت شغلی پدر با پنج عامل بزرگ شخصیت وارد معادله رگرسیون گردید. انجام رگرسیون لجستیک به صورت

جدول ۲- فراوانی و درصد متغیر سطح تحصیلات در دختران عادی، فراری و والدین آنها

تحصیلات	دختران عادی			دختران فراری		
	تحصیلات فراوانی (%)	تحصیلات پدر فراوانی (%)	تحصیلات مادر فراوانی (%)	تحصیلات فراوانی (%)	تحصیلات پدر فراوانی (%)	تحصیلات مادر فراوانی (%)
ابتدایی	۱۲ (۳۲/۴۳)	۱۴ (۳۷/۸۴)	۵ (۱۴/۲۹)	۲۱ (۶۰)	۲۱ (۶۱/۷۶)	۲۱ (۶۰)
راهنمایی	۱۴ (۳۷/۸۴)	۱۱ (۲۹/۷۳)	۱۲ (۳۴/۲۹)	۱۰ (۲۸/۵۷)	۸ (۲۳/۵۳)	۱۰ (۲۸/۵۷)
دبیرستان و دیپلم	۳۵ (۹۴/۵۹)	۷ (۱۸/۹۲)	۱۸ (۵۱/۴۳)	۳ (۸/۵۷)	۴ (۱۱/۷۶)	۳ (۸/۵۷)
فوق دیپلم و کارشناسی	-	۳ (۸/۱۱)	-	۱ (۲/۸۶)	۱ (۲/۹۴)	۱ (۲/۸۶)
کارشناسی ارشد و بالاتر	-	۱ (۲/۷۰)	۱۴ (۳۷/۸۴)	-	-	-

1- hierarchical logistic regression

2- Cramer

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

متغیر	دختران فراری		دختران عادی	
	میانگین	(انحراف معیار)	میانگین	(انحراف معیار)
سن	۱۹/۸۶ (۵/۱۹)	۱۹/۱۶ (۲/۵۰)		
ترتیب تولد	۲/۷۸ (۲/۰۸)	۳/۴۶ (۲/۰۸)		
درآمد ماهیانه خانواده (هزار تومان)	۲۱۶/۹۲ (۹۰/۴۴)	۲۵۰/۸۱ (۱۱۹/۴۵)		
تعداد خواهر و برادران	۳/۹۲ (۲/۷۲)	۳/۵۹ (۱/۹۲)		
منزلت شغلی پدر (میانگین و میانه)	۴/۳۵ (۳/۵۰)	۷ (۷/۰۰)		
برون‌گرایی	۲۳/۶۱ (۴/۸۱)	۲۵/۵۷ (۴/۷۳)		
روان‌نژندی	۳۴/۳۵ (۶/۵۱)	۲۹/۵۹ (۶/۴۷)		
گشودگی نسبت به تجربه	۳۵/۱ (۵/۹۰)	۳۶/۵۴ (۳/۷۳)		
وظیفه‌مداری	۳۵/۱۴ (۶/۲۰)	۳۳/۴۱ (۴/۱۰)		
توافق‌پذیری	۳۵/۸۳ (۶/۱۸)	۳۶/۷۸ (۴/۵۷)		

در بخش آمار استنباطی، نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک

حاکی از آن بود که:

الف- از بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، تنها میزان تحصیلات فرد قادر به تمایز معنی‌دار بین دختران عادی و فراری بود. به عبارت دیگر میزان تحصیلات دختران عادی به شکل معنی‌داری بیش از دختران فراری بود.

ب- از بین ویژگی‌های شخصیتی، تنها بعد روان‌نژندی قادر به تمایز معنی‌دار بین دختران عادی و فراری بود. به عبارت دیگر دختران فراری در این بعد نمرات بالاتری کسب کردند.

جدول ۴- نتایج رگرسیون لجستیک

مدل	متغیرهای پیش‌بین	$\beta$	SE $_{\beta}$	Wald	R <sup>2</sup>
۱	میزان تحصیلات فرد	-۱/۲۲	۰/۴۳	۸/۱۴**	۰/۴۳
	میزان تحصیلات پدر	-۰/۲۷	۰/۲۱	۱/۵۸	
	میزان تحصیلات مادر	۰/۰۹	۰/۲۱	۰/۱۷	
	منزلت شغلی پدر	-۰/۲۳	۰/۱۲	۳/۷۸	
۲	میزان تحصیلات فرد	-۱/۰۸	۰/۴۲	۶/۴۸**	۰/۴۸
	میزان تحصیلات پدر	-۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۵۸	
	میزان تحصیلات مادر	۰/۱۵	۰/۲۳	۰/۴۴	
	منزلت شغلی پدر	-۰/۲۹	۰/۱۳	۵/۱۴*	
۳	روان‌نژندی	۰/۱	۰/۰۵	۴/۱۹*	۰/۵۴
	میزان تحصیلات فرد	-۱/۰۸	۰/۴۴	۵/۹۳**	
	میزان تحصیلات پدر	-۰/۲۸	۰/۲۴	۱/۳۸	
	میزان تحصیلات مادر	۰/۲۵	۰/۲۴	۱/۱۳	
	منزلت شغلی پدر	۰/۱۱	۰/۲۱	۰/۲۹	
	روان‌نژندی	۰/۱۱	۰/۰۵	۴/۹۲*	
تعامل وظیفه‌مداری و منزلت شغلی پدر	-۰/۰۲	۰/۰۱	۴/۷۸*		

\*\*p<۰/۰۱ ; \*p<۰/۰۵

ج- تعامل منزلت شغلی پدران و میزان وظیفه‌مداری دختران قادر به تمایز معنی‌دار بین دختران عادی و فراری بود. به عبارت دیگر عامل وظیفه‌مداری در پیش‌بینی فرار دختران تحت تأثیر منزلت شغلی پدران آزمودنی‌ها قرار داشت. به منظور درک معنای این تعامل، ابتدا کلیه آزمودنی‌ها بر اساس میانه نمرات منزلت شغلی پدر به دو گروه (منزلت شغلی پایین و بالا) تقسیم گردیدند. سپس ضریب همبستگی پیرسون بین نمره وظیفه‌مداری و وضعیت دختران (۱- عادی و ۲- فراری) برای هر دو گروه محاسبه گردید. نتایج این بررسی حاکی از آن بود که رابطه بین فرار دختران و متغیر وظیفه‌مداری تنها در گروهی که منزلت شغلی پدر آنها بالاتر بود محسوس بود ( $r=۰/۳$ ,  $p<۰/۰۶$ ). به عبارت دیگر در خانواده‌های دارای منزلت شغلی بالا، با افزایش وظیفه‌مداری، احتمال فرار کاهش می‌یافت، در حالی که این عامل در گروهی که دارای منزلت شغلی پایین بودند، تأثیر محسوسی بر فرار دختران نداشت ( $r=۰/۰۹۷$ ,  $p=۰/۵۹$ ).

جدول ۴ بتای غیر استاندارد، خطای استاندارد بتا، شاخص والد<sup>۱</sup> و مجذور آر اصلاح‌شده را برای هر سه مرحله تحلیل نشان می‌دهد. لازم به یادآوری است که شاخص والد از مجذور حاصل تقسیم بتای غیراستاندارد بر خطای استاندارد به دست می‌آید و در مقایسه با بتای غیر استاندارد، شاخص دقیق‌تری از شدت رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک است.

**بحث**

بین ۰/۰۳ تا ۰/۴۲- و میانگین اندازه اثر ۰/۲۵- و معنی دار بود. در تحقیق مارکی و همکاران (۲۰۰۶) نیز رابطه منفی و متوسطی بین وظیفه‌مداری و مشارکت دختران در رفتارهای پرخطر یافت شد. با این حال فقدان رابطه بین وظیفه‌مداری و فرار دختران در سطوح پایین منزلت شغلی پدر تأمل برانگیز است. به نظر می‌رسد شرایط نامساعد خانواده‌های دارای موقعیت اجتماعی- اقتصادی پایین، آثار بالقوه مثبت ویژگی‌های فردی نظیر وظیفه‌مداری را خنثی می‌کند.

در این مطالعه، برون‌گرایی پیش‌بین معنی‌داری برای فرار دختران نبود. پژوهش‌های قبلی در مورد تأثیر برون‌گرایی بر سوءرفتار، به نتایج دوگانه‌ای منجر گردیده است. برخی تحقیقات (دادرمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ دادرمن، مرلینگ<sup>۵</sup> و هالمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ جان<sup>۷</sup>، کاسپی<sup>۸</sup>، رایینز<sup>۹</sup>، موفیت<sup>۱۰</sup> و استوتامر-لویر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۴) حاکی از وجود تفاوت بین افراد عادی و بزهدکار از نظر برون‌گرایی بود. از طرفی برخی دیگر از تحقیقات (موریزوت<sup>۱۲</sup> و بلانس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳؛ بازیاری میمندی، ۱۳۸۱) حاکی از فقدان رابطه بین برون‌گرایی و سوءرفتار بوده است. به نظر می‌رسد بخشی از این بی‌ثباتی به ماهیت ابزارهای به کار گرفته شده مربوط باشد. در حالی که پژوهش‌های انجام شده توسط پرسش‌نامه آیزنک، اغلب حاکی از وجود رابطه بین برون‌گرایی و سوءرفتار است، تحقیقات انجام شده با استفاده از پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت، کمتر مؤید وجود این رابطه بوده است. دام<sup>۱۴</sup>، جانسنز<sup>۱۵</sup> و بروین<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۵) با مقایسه پرسش‌نامه‌های آیزنک و پنج عامل بزرگ شخصیت دریافتند که برون‌گرایی آیزنک رابطه معنی‌داری با ارتکاب جرم دارد، ولی برون‌گرایی پرسش‌نامه پنج عامل بزرگ شخصیت رابطه معنی‌داری با ارتکاب جرم ندارد. آنها با بررسی گویه‌های مربوط به برون‌گرایی در دو پرسش‌نامه فوق، به این نتیجه رسیدند که برون‌گرایی در مدل پنج عامل بزرگ شخصیت بیشتر شبیه درون‌گرایی (کم‌حرف، آرام، محتاط و کناره‌گیر بودن) معکوس است؛ در حالی که برون‌گرایی مطابق با مدل آیزنک، علاوه بر صفات فوق شامل سرزندگی، معاشرتی بودن و هیجان‌خواهی نیز می‌باشد.

همان‌گونه که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، روان‌نژندی با افزایش احتمال فرار دختران همراه بود. علاوه بر این وظیفه‌مداری در دخترانی که پدر آنها از منزلت شغلی بالایی برخوردار بود، با کاهش احتمال فرار همراه بود ولی این ویژگی در گروه دارای منزلت شغلی پایین، بر فرار دختران کم‌تأثیر و یا بی‌تأثیر بود.

جوادی‌یگانه و فروغ‌الدین عدل (۱۳۸۲) شواهدی را ذکر کرده‌اند که نشان‌دهنده مشکلات هیجانی شامل اضطراب، احساس گناه، احساس بی‌ارزشی، تنهایی، فرار از خود و افسردگی در میان دختران فراری است. پژوهش انجام شده توسط رسول‌زاده طباطبایی، بشارت و بازیاری (۱۳۸۴) نیز حاکی از آن است که دختران فراری از نظر هیجانی بی‌ثبات، سلطه‌پذیر، ناشکیبا و وابسته هستند. مؤلفه‌های فوق با بعد روان‌نژندی تشابه مفهومی بسیاری دارند.

باتوجه به این‌که روان‌نژندی رویه‌های اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، شرم، تکانش‌وری و آسیب‌پذیری را دربرمی‌گیرد (شونبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵)، انتظار می‌رود به‌طور متعددی پدیده فرار دختران را تحت تأثیر قرار دهد. به‌عنوان مثال وجود اضطراب در افراد روان‌نژند می‌تواند حساسیت آنها را نسبت به عوامل استرس‌زای زندگی افزایش و سازگاری آنها را با شرایط ناخوشایند کاهش دهد. علاوه بر این تمایل به عملکرد تکانشی در افراد روان‌نژند می‌تواند موجب ناتوانی در به‌تعویق‌انداختن خواسته‌ها گردد. بنابراین فرار از خانه به‌عنوان راه‌حلی آسان برای رسیدن به خواسته‌ها و اجتناب از شرایط ناگوار در نظر گرفته می‌شود. شواهد ارایه شده توسط کونتس<sup>۲</sup> (۱۹۶۷)، مارتینس<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) و شارلین و همکاران (۱۹۹۲) نیز حاکی از عملکرد تکانشی دختران فراری است.

بررسی تعامل وظیفه‌مداری و منزلت شغلی پدر حاکی از آن بود که در سطوح بالای منزلت شغلی پدر، وظیفه‌مداری به میزان قابل‌ملاحظه‌ای موجب کاهش فرار دختران می‌گردد؛ اما در سطوح پایین، این رابطه ناچیز است. وظیفه‌مداری رویه‌های توانمندی، نظم و ترتیب، تلاش برای موفقیت، خویشتن‌داری و محتاط‌بودن در تصمیم‌گیری را در بر می‌گیرد. بنابراین انتظار می‌رفت دخترانی که دارای میزان بالایی از وظیفه‌مداری هستند، کمتر از سایرین فرار را به‌عنوان یک راه‌حل انتخاب کنند. در فراتحلیل میلر و همکاران (۲۰۰۱) دامنه اندازه اثر وظیفه‌مداری بر رفتارهای ناسازگار

1- Shouwenburg	2- Counts
3- Martinez	4- Daderman
5- Meurling	6- Hallman
7- John	8- Caspi
9- Robins	10- Moffitt
11- Stouthamer-Loeber	12- Morizot
13- Blanc	14- Dam
15- Janssens	16- Bruyn

در اغلب تحقیقاتی که از مدل پنج عامل بزرگ شخصیت برای بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سوءرفتار استفاده شده است، گشودگی نسبت به تجربه ضعیف‌ترین پیش‌بین سوء رفتار بوده است (برای مثال: میلر و همکاران، ۲۰۰۱؛ دام و همکاران، ۲۰۰۵؛ مارکی و همکاران، ۲۰۰۳ و هیون و همکاران، ۲۰۰۱). در این پژوهش نیز هم‌سو با مطالعات پیشین، این بعد از ابعاد شخصیت پیش‌بین معنی‌داری برای فرار دختران نبود.

بر خلاف انتظار، «توافق‌پذیری» با فرار دختران رابطه معنی‌داری نداشت. این در حالی است که در اغلب پژوهش‌های انجام‌شده، توافق‌پذیری یکی از پیش‌بین‌های قوی سوءرفتار بوده است (برای مثال: مارکی و همکاران، ۲۰۰۳؛ میلر و همکاران، ۲۰۰۱؛ جان و همکاران، ۱۹۹۴؛ مارکی و همکاران، ۲۰۰۱؛ شینر<sup>۱</sup>، ماستن<sup>۲</sup> و رابرتس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). توافق‌پذیری به روابط و راهبردهای بین‌فردی اشاره می‌کند. افرادی که توافق‌پذیری بالایی دارند، افرادی قابل اعتماد، باصداقت و اهل همدلی هستند؛ در حالی که توافق‌پذیری پایین با تکبر، بهره‌کشی و بی‌توجهی به خواسته‌های دیگران همراه است (میلر و همکاران، ۲۰۰۱). بنابراین ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در افراد دارای توافق‌پذیری پایین منطقی به نظر می‌رسد. با این حال، ماهیت فرار با سایر انواع سوءرفتار متفاوت است. فرار بیش از آن که معرف تمایل فرد به آسیب‌زدن به دیگران و اجتماع باشد، معرف آسیب‌دیدگی خود فرد است. بنابراین فقدان رابطه معنی‌دار بین توافق‌پذیری و فرار دختران قابل توجه است.

در مجموع، صرف‌نظر از تأثیر روان‌نژندی و تأثیر تعاملی وظیفه‌مداری و منزلت‌شغلی، سایر ویژگی‌های شخصیتی، پیش‌بین معنی‌داری برای فرار دختران نبودند. تعداد نسبتاً کم آزمودنی‌ها می‌تواند یکی از دلایل این امر باشد. علاوه بر این در تفسیر یافته‌های این تحقیق بایستی در نظر داشت که مدل شخصیتی پنج عامل بزرگ در تلاش برای ارائه توصیفی جامع از شخصیت افراد بهنجار ارائه شده است. ویژگی‌های مطرح‌شده در این مدل تنها جهت‌گیری کلی رفتار افراد را نشان می‌دهد و این که این جهت‌گیری کلی منجر به سوءرفتار شود یا نه، بستگی به عوامل محیطی و دیگر ویژگی‌های فردی دارد. از این رو به محققان آتی توصیه می‌شود در بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در فرار دختران، به ویژگی‌هایی

بپردازند که به‌طور خاص تر با آسیب‌هایی نظیر فرار مرتبط باشند. در ضمن تعامل بین ویژگی‌های شخصیتی و دیگر عوامل فردی و محیطی زمینه تحقیقاتی مفیدی برای علاقمندان خواهد بود. هم‌چنین به نظر می‌رسد در گروه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف، عوامل متفاوتی بر فرار دختران مؤثر باشد. به‌عنوان مثال، ممکن است عامل اصلی فرار در طبقات اجتماعی-اقتصادی بالا، «فردی» و در طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین، «خانوادگی» باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بررسی علل فرار دختران به تفکیک طبقه اجتماعی-اقتصادی صورت گیرد.

بنابر ماهیت پس‌رویدادی تحقیق، استنباط علی از یافته‌ها جای تردید دارد. به‌عنوان مثال، آسیب‌های ناشی از فرار می‌تواند موجب بی‌ثباتی و نابسامانی عاطفی شود که خود منجر به تغییر در نمره روان‌نژندی می‌گردد. از طرفی حجم کم نمونه و شرایط روانی نامساعد دختران فراری می‌تواند دقت و قابلیت تعمیم یافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو تعمیم یافته‌های پژوهش و کاربرست آنها بایستی با احتیاط صورت گیرد.

### سپاسگزاری

بخشی از هزینه اجرای این طرح توسط دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تأمین گردید. از جناب آقای دکتر سید رضا شاکری مدیر محترم گروه علوم اجتماعی و انسانی جهاد دانشگاهی، جناب آقای دکتر محمد رضا جلالی ناظر محترم طرح و سرکار خانم دکتر راضیه شیخ‌الاسلامی مشاور محترم طرح به دلیل مساعدت‌ها و راهنمایی‌های ارزنده‌شان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. علاوه بر این از جناب آقای دکتر آریا حجازی رئیس محترم پزشکی قانونی استان فارس، جناب آقای محمود امین‌لاری کارشناس محترم مرکز تخصصی اورژانس اجتماعی و مسئولین محترم معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا به‌ویژه جناب سرهنگ سید محمد علی طباطبایی و جناب آقای حمید افرامن که نهایت همکاری را در اجرای این طرح به عمل آوردند، قدردانی و تشکر به عمل می‌آید. امید می‌رود انجام این طرح گامی هرچند کوچک در شناخت مسایل دختران فراری باشد.

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، تعارض منافع وجود نداشته است.]



- Buss, D. M. (1991). Evolutionary personality psychology. *Annual Review of Psychology*, 42, 459-491.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Four ways five factors are basic. *Personality and Individual Differences*, 13, 653-665.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). *NEO PI-R Professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Counts, R. M. (1967). Family crisis and the impulsive adolescent. *Archives of General psychiatry*, 17, 64-71.
- Cramer, D. (2006). *Advanced quantitative data analysis*. Open university press: Maidenhead. Philadelphia.
- Daderman, A. M. (1999). Differences between severely conduct-disordered juvenile males and normal juvenile males: The study of personality traits. *Personality and Individual Differences*, 26, 827-845.
- Daderman, A. M., Meurling, A. W. & Hallman, J. (2001). Different personality patterns in non-socialized (juvenile delinquents) and socialized (air force pilot recruits) sensation seekers. *European Journal of Personality*, 15(14), 239-252.
- Dam, C. V., Janssens, J. M. & Bruyn, E. E. (2005). PEN, Big Five, juvenile delinquency and criminal recidivism. *Personality and Individual Differences*, 39, 7-19.
- Demian, A. F. (2000). Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28, 261-268.
- Digman, J. M. (1990). Personality structure: emergence of the five-factor model. *Annual Review of Psychology*, 41, 417-440.
- Goldberg, M. (1972). The Runaway Americans. *Mental Hygiene*, 56, 13-19.
- Heaven, G., Virgin. M. (2001). Personality, perception of family and peer influences, and males self reported delinquency. *Personality and Individual Differences*, 20, 47-54.
- John, O. P., Caspi, A., Robins, R. W., Moffitt, T. E., & Stouthamer-Loeber, M. (1994). The little Five: Exploring the nomological network of the Five-Factor model of personality in adolescent boys. *Child Development*, 65, 160-178.
- Levental, T. (1963). Control problem in runaway children. *Archives of General psychiatry*, 9, 122-128.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۰). *بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی به مراکز بازپروری سازمان بهزیستی*. طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- بازاریاری میمندی، مهتاب (۱۳۸۱). *بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنبذگی‌زا، شیوه‌های مقابله‌ای و شرایط اجتماعی-اقتصادی دختران فراری و غیرفراری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۴). *بررسی شیوه‌های فرزندپروری در والدین دختران فراری*. طرح پژوهشی ارایه شده به سازمان بهزیستی استان قزوین.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ فروغ‌الدین عدل، اکبر (۱۳۸۲). *تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران، مسأله دختران فراری*. دانشگاه تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حقیقت‌دوست، زهرا (۱۳۸۳). *عوامل زمینه‌ساز فرار دختران. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۳، ۲۶۶-۲۵۱.
- خرمایی، فرهاد (۱۳۸۵). *بررسی مدل علی ویژگی‌های شخصیتی، جهت‌گیری‌های انگیزشی و سبک‌های شناختی یادگیری*. پایان‌نامه دکتری چاپ نشده. دانشگاه شیراز. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- رستم‌خانی، معصومه (۱۳۸۱). *بررسی نقش والدین در فرار دختران*. مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد پنجم.
- رسول‌زاده طباطبایی، کاظم؛ بشارت، محمدعلی؛ بازاریاری، مهناز (۱۳۸۴). *بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و غیر فراری. دو ماهنامه دانشور رفتار*، سال دوازدهم، شماره ۱۰، ۳۴-۳۳.
- شاره، حسین؛ آقا محمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۶). *رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۲۲.
- شاره، حسین؛ اصغرزاد فرید، علی‌اصغر؛ یکه‌یزدان‌دوست، رخساره؛ طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۵). *ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۱، ۲۴۳-۲۲۵.
- طهرانی‌زاده، مریم؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم؛ آزاد فلاح، پرویز (۱۳۸۴). *بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹، ۲۲۴-۲۰۵.
- محمدخانی، شهرام (۱۳۸۶). *عوامل روانی-اجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۶۸-۱۴۷.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴). *منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال دهم، شماره ۲، ۹۴-۶۵.
- Beyer, M. (1974). *The psychosocial problem with adolescent runaway*. Doctoral dissertation, Yale University.
- Blood, L. L. (1980). *Runaway youth and family values: an in-depth look at runaway youth* (1-24). Hartford, CN: Department of Children and Youth Services.

- Markey, C. N., Ericksen, A. J., Markey, P. M., & Tinsle, B. J. (2001). Personality and family determinants of preadolescents' participation in health-compromising and health-promoting behaviors. *Adolescent and Family Health, 2*(2), 83-90.
- Markey, C. N., Markey, P. M., Ericksen, A. G. & Tinsle, B. J. (2006). Children's behavioral patterns, the Five-Factor model of personality, and risk behaviors. *Personality and Individual Differences, 41*, 1503-1513.
- Markey, C. N., Markey, P. M. & Tinsle, B. J. (2003). Personality, puberty, and preadolescent girls-risky behaviors: Examining the predictive value of the Five-Factor Model of personality. *Journal of Research in Personality, 37*, 405-419.
- Martinez, R. J. (2006). Understanding runaway's teens. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing, 19*(2), 77-90.
- Miller, J. D. & Lynam, D. (2001). Structural models of personality and their relation to antisocial behavior: A Meta-Analytic review. *Criminology, 39*(4), 765- 795.
- Morizot, J., & Blanc, M. (2003). Le Continuity and change in personality traits from adolescence to midlife: A 25-year longitudinal study comparing representative and adjudicated men. *Journal of Personality, 71*, 706-755.
- Poropat, A. (2002). The relationship between attributional style, gender and the Five-Factor Model of personality. *Personality and Individual Differences, 33*, 1185-1201.
- Reimer, M. (1940). Runaway children. *American Journal of Orthopsychiatry, 10*, 522-528.
- Robins, L. N. (1958). Mental illness and runaway. A 30-year follow up study. *Human Organization, 16*(4), 11-15.
- Sharlin, S. A., & Mor-barak, M. (1992). Runaways girls in distress, motivation, background , and personality. *Adolescence, 27*(106), 387-405.
- Shiner, R. L., Masten, A. S., & Roberts, J. M. (2003). Childhood personality foreshadows adult personality and life outcomes two decades later. *Journal of Personality, 71*, 1145-1170.
- Shouwenburg, H. C. (1995). *Personality and academic competence. Poster presented at the seventh meeting of the international society for study of individual differences.* Warsaw, Poland.